اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت شصت و دو)

بازی ها و فیلمها

همه ما بازی کامپیوتری انجام داده ایم و به محض شروع بازی، شروع به کشتن و فتح اهدافی می کردیم ولی از خود سوال نکردیم که چرا باید اینها را بکشیم. هر چند این کشتنها در دنیایی مجازی انجام میشود و زیانی به دیگران نمی رساند اما تفکر نادرستی را در کودکان ما پرورش میدهد. اینکه سرسپرده و تسلیم یک تفکر نادرست باشیم. کسانی بالاتر تصمیم گرفته اند که عده ای باید کشته شوند و ما در بازی باید انجامش دهیم و این خودش روحیه تسلیم پذیری ما به غیر خدا را پرورش میدهد. خیلی از فیلمها و بازیها، خواسته و ناخواسته به نرمی تفکرات فلسفی نادرستی را ترویج و تزریق میکنند. یک فیلم سینمایی به اسم the platform است که نکات

مثبتی در آن بود و نکاتی منفی ای هم در آن بود که بطرز زیرکانه ای فلسفه نادرستی از زندگی ارائه میداد. (لینک دانلود فیلم)

توضیحات ویکی پدیا در مورد فیلم: در این فیلم محیطی شبیه زندان بصورت عمودی است و در هر طبقه دو نفر به سر می برند و بیشتر شبیه قرنطینه است. این فیلم داستان فردی است که برای ترک سیگار به این مکان مراجعه میکند و بدون اطلاع واقعی از این محیط به آن جا میرود برای ترک سیگار. تمام محیط داستان مربوط به یک محیط قرنطینه با سازه عمودی است که تعداد زیادی محکومان به‌طور تصادفی در طبقات آن زندانی هستند. در این مکان عجیب؛ هر طبقه آن یک سلول است که به صورت عمودی روی هم قرار گرفته‌اند و از بالاترین طبقه (طبقه اول) تا پایین‌ترین طبقه (طبقه ۳۳۳) ادامه دارند. در هر سلول ۲ نفر برای یک ماه زندگی می‌کنند و این افراد تا وقتی که یکی از آنها آزاد شود یا از بین برود؛ با هم هستند. ماه بعد افراد همه طبقه‌ها به‌طور کاملاً تصادفی پس از بیدار شدن از یک خواب شبانگاهی؛ جابه‌جا می‌شوند و در طبقات و سلول‌های دیگر قرار می‌گیرند. انسان‌ها توافق کرده‌اند در این سازه محبوس شوند و تعدادی از آنها دوره حکم زندان خود را در آن می‌گذرانند و برخی داوطلبانه به آن آمده‌اند. در این زندان اسرار آمیز قطعه مربع شکلی وجود دارد که در واقع میز مفصل غذاست و روی آن انواع غذاها قرار دارد و به شکل آسانسوری از طبقه اول (بالاترین طبقه) به طرف پایین‌ترین طبقه حرکت می‌کند و در هر طبقه؛ برای غذاخوری زندانیان؛ توقف چند دقیقه ای برای غذا رسانی به زندانیان دارد. هر روز مقدار زیادی غذا روی آن قرار داده می‌شود. غذاها بر اساس سلیقه تمام زندانیان که در ابتدای ورود از آنها پرسیده شده‌است؛ به بهترین نحو؛ آماده می‌شوند.

اتفاق تأمل‌برانگیزی که در این زندان اتفاق می‌افتد این است که طبقات اول بیش از اندازه‌ای که نیاز دارند غذا مصرف می‌کنند و اسراف و حیف و میل می‌کنند طوری که به تدریج که این سکوی غذا به طبقات پایین‌تر می‌رسد چیز خاصی به سایر زندانیان زیردست نمی‌رسد و از طبقات میانی به پایین زندانیان دست به گریبان گرسنگی و مرگ هستند. شخصیت اصلی داستان به تشویق یکی از کارمندان سابق این سازمان تلاش می‌کند که این نظام ظالمانه زندان را به هم بزند و به هر طریقی که هست غذای موجود را از طبقه اول تا طبقه آخر مدیریت و جیره‌بندی کنند که به همه زندانیان غذا برسد. کارگردان فیلم شاید خواسته است که نظام این زندان عمودی را به نظام طبقاتی جامعه تشبیه کند و بگوید که یک سری با موقعیت‌ها و امتیازاتی که دارند در رفاه کامل و بدون هیچ گونه مشکل خوراک و پوشاک و... بهترین زندگی را بگذرانند (برگرفته از این لینک).

البته بسیاری از این انسان‌ها در فیلم در این زمینه اسراف میکنند و هیچ‌وقت به فکر زندگی انسان‌های سطح پایینتر نیستند و برایشان مهم نیست که ساکنین طبقات پایین تر چه بلایی سرشان میاید. شاید نمایش این معضل، یکی از نکته های مثبت فیلم باشد اما اگر طراح این فیلم منظورش از مدیریت قرنطینه؛ خدا و نظام خدا بوده باشد؛ خواسته و یا ناخواسته خدا و نظام خدا را ظالمانه معرفی کرده است که قادر نبوده است چنین وضعی را مدیریت کند. ما باید بدانیم که "خدا" یا همان الله هیچ جایگزینی ندارد و طرحهای خدا برای خوشبختی هیچ گونه جایگزینی ندارند. برای یک زندگی صحیح و آرام ، خدا برای ما یک انتخاب نیست، بلکه تنها انتخاب است. در ضمن هر طرحی را نباید به خدا نسبت داد و طراحی این دنیا شبیه این فیلم نیست، برخلاف

آنچه که کارگردان فیلم تصور کرده است. شاید بتوان گفت که دنیا در بدترین حالتش، شبیه به داستان این فیلم باشد.

هر روز به مدت زمان مشخصی از حفره عمودی وسط بندها، از بالاترین طبقه غذا به پایین ارسال میشود و در این فیلم افراد طبقات بالایی غذا به وفور در اختیار آنها قرار می گیرد ولی افراد طبقه پایین تر چیزی به آنها نمیرسد و یا پس مانده های غذای دیگران به آنها میرسد و آنها از شدت گرسنگی شروع به خوردن همدیگر میکنند و باقی ماجرا. با توجه به اینکه فرد مسئول قرنطینه بطور مداوم تاکید میکند که به اندازه خود فقط غذا بردارید تا به طبقات پایین تر هم برسد ولی عملا کسی گوش نمی کند. در این فیلم، غریزه شکم و غریزه حفظ بقا بر ایمان ارجحیت دارد و خبری از ایثار و فداکاری آدمها در این قرنطینه نیست. افراد در این قرنطینه در نهایت به خوی حیوانی و خوی شیطانی خویش می رسند، هرکدام به نوعی. حتی کسانی که در طبقات بالایی از هر نوع غذایی می خورند و البته با اینکار حق دیگران را پایمال میکنند، به معنای واقعی خوشگذرانی نمی کنند، بلکه خوی شیطانی پرخوری آنها فعال شده است و مزیتی بر آدمهای طبقات پایینتر که همدیگر را میخورند، ندارند و حتی شاید بدتر هم باشند. در شرایط بحرانی پرخوری و اسراف دست کمی از هم نوع خواری ندارد. شاید به همین خاطر است که خدای مهربان اسراف کنندگان را برادران شیطان می نامد.

إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا ﴿٢٧﴾
چرا كه اسرافكاران برادران شيطانهايند و شيطان همواره نسبت به پروردگارش ناسپاس بوده است (٢٧)

شاید بعضیها فکر کنند که ثروتمند بودن به هر طریقی موجب خوشبختی است. اما از نظر خدا، خوشبختی و بدبختی به کمیت و کیفیت امکانات نیست. خدا برای اکثریت جامعه رزق و روزی در حد و اندازه نازل میکند و این خود آدمیان هستند که غذاهای با هورمون بالاتر را نشان خوشبختی میدانند و برای بدست آوردن آن در خیالات فرو میروند و برای رسیدن به آن هر کاری میکنند. در سیستم خدا، افراد با همدیگر تعاون و همکاری میکنند (تعاونوا علی البر و التقوی) و حتی در راه خدا جان و مال خود را به خطر می اندازند و از خود گذشتگی میکنند. جهاد و تلاش و کوشش در راه خدا به همین معناست. چیزی که کارگردان فیلم در نظر نگرفته است، تلاش و کوشش در راه خداست. تلاش و کوشش در راه خدا بر حفظ جان و مال ارجحیت دارد.

در این قرنطینه و یا زندان غذاهای بسیار خوب و خوشمزه ای تهیه میشود که مدیریت این ساختمان عمودی به شدت به بهداشت و کیفیت غذاها اهمیت میدهد و بخاطر یک تار مو در غذاها، پرسنل آشپزخانه را توبیخ میکند و اگر کسی در هر طبقه ای غذایی را ذخیره کرده باشد، مدیریت مجموعه باخبر میشود و سلول و آن طبقه گرم شده و افراد داخل آن میسوزند (یک نوع تفکر شبهه کمونیستی). اما در سیستم خدا، پاداش و تنبیه به این طریق نیست و خدا فرصت زیادی به آدمیان میدهد و خدا پس

کَله ی هر کسی که یک کار خلاف کند، نمی زند و به آدمیان حتی ظالمان فرصت کافی برای تفکر و برگشت و توبه میدهد. این نوع تفکر در فیلم ناشی از یک تفکر کمونیستی حاکم بر فیلم است که میخواهد بگوید خدا در مدیریت جامعه ناتوان است. همانطور که یهودیان می گفتند خدا هر کاری نمی تواند انجام دهد و در انجام بعضی کارها ناتوان است و انسان خودش باید به روش خودش عمل کند. انسانها وقتی به خیال خود، خدا را ناتوان می بینند، کمونیست میشوند.

ولی در فیلم، همین مجموعه مدیریت از وضعیت افراد قرنطینه شده بی خبر است و به اوضاع اهمیتی نمیدهد! هر ماه، جای افراد بطور شانسی در بندها عوض میشود و ممکن است که افراد به بندهای بالاتر و یا پایین تر سقوط کنند. به نظر من این قسمت از فیلم بطور زیرکانه ای مفهوم تناسخ را به رخ میکشد که هر انسانی بعد از مرگ دوباره با یک موقعیت دیگر متولد میشود. اما از نظر قرآن تناسخ وجود ندارد و تناسخ یک مفهوم شیطانی و اشتباه است. اگر هم منظور فیلم را از تعویض طبقات در هر ماه به این معنا بدانیم که انسانها اگر در موقعیتهای مختلف قرار گیرند، همان ماهیت واقعی خودشان را نشان میدهند؛ در این حالت میتوان معنا را پذیرفت. کسی که ماه پیش در طبقه پایین بود و غذا گیرش نمی آمد، در ماه بعد به طبقات بالاتر می رفت و غذاهای دیگران را میخورد و پایمال میکرد و خیلی زود فراموش میکرد که خودش زمانی در موقعیتهای پایینتر بوده است. خدای مهربان همه انسانها را در بهترین موقعیت خلق کرده است(لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ **) . یعنی اگر ما در خانواده**

فقیری به دنیا آمده ایم ، خدا به ما رحم کرده است و کسی که بعضی امکانات را ندارد، این موقعیت برای او خوب است و او در این موقعیت میتواند بهتر به سمت خدا برگردد.

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ﴿۴﴾

[که] براستی انسان را در بهترین حالت آفریدیم (۴)

ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ﴿۵﴾

سپس او را به پست ترین [مراتب] پستی بازگردانیدیم (۵)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿۶﴾

مگر کسانی را که گرویده و کارهای شایسته کرده اند که پاداشی بی منت خواهند داشت (۶)

در این قرنطینه که 333 طبقه است و هر طبقه دو نفر در آن ساکن هستند، جمعا 666 نفر هستند. از این نظر فیلم میخواهد 666 را یک عدد شیطانی معرفی کند و اشتباه فیلم از همینجا شروع میشود.

اتفاقا عدد 666 یک عدد شیطانی نیست و این یک اشتباه فاحش جامعه مسیحیت است که 666 را عدد شیطان معرفی کرده است. در تورات هم نوشته شده است که، هدیه ای که ملکه سباء برای پیامبر سلیمان فرستاد شامل 666 واحد نقره بود. در دو آیه دیگر از تورات، 666 به عنوان عددی شیطانی معرفی شده است و گفته شده است

که 666 عدد وحش است. در این فیلم هم 666 تعداد آدمیانی هستند که در بندها گیر افتاده اند و برای حفظ جان خود همدیگر را میخورند و حقوق دیگران را پایمال میکنند. شیطان عدد خاصی ندارد و تمام تلاشش این است که آدمیان هم نوعان خود را بخورند.

تقسیم ناعادلانه غذاها در فیلم نشان از این دارد که فیلم میخواهد سیستم توزیع رزق و روزی محیط قرنطینه را زیر سوال ببرد. اما در دنیای واقعی، خدا رزق و روزی افراد را از طریقی میرساند که خودشان هم نمیدانند. خدا فقط حرف نمیزند و واقعا اینکار را میکند. در حالیکه مدیریت قرنطینه در فیلم، فقط حرف میزند و عملا تقسیم نمیکند.

وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا ﴿٣﴾

و از جایی که حسابش را نمی کند به او روزی می رساند و هر کس بر خدا اعتماد کند او برای وی بس است خدا فرمانش را به انجام‌رساننده است به راستی خدا برای هر چیزی اندازه ای مقرر کرده است (۳)

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٦﴾

و هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر [اینکه] روزیش بر عهده خداست و [او] قرارگاه و محل مردنش را می داند همه [اینها] در کتابی روشن [ثبت] است (۶)

وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ ﴿٢٢﴾

و روزی شما و آنچه وعده داده شده اید در آسمان است (۲۲)

مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعِمُونِ ﴿۵۷﴾

از آنان هیچ روزیی نمی خواهم و نمی خواهم که مرا خوراك دهند (۵۷)

إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ ﴿۵۸﴾

خداست که خود روزی بخش نیرومند استوار است (۵۸)

نمونه توزیع رزق و روزی خدا، سیستمی است که در میان حیوانات طراحی کرده است و رزق همه را به نحو احسن میرساند. یکبار در یکی از کلیپها، یک فرد ثروتمند عرب یک ببر را در خانه نگهداری میکرد. تا آنجایی که یادم است روزی سی یا چهل کیلو گوشت برایش فراهم میکرد و به این کارش افتخار میکرد. پیش خودم گفتم اگر بجای یک ببر، ده ببر به او بدهید تا نگهداری کند؛ آنوقت واقعا به مشکل بر میخورد هر چقدر هم که ثروتمند باشد. اما خدای رحمان تمام کائنات را میچرخاند بدون هیچ گونه کاستی ای. خدا در زمین به اندازه کافی قدرت خودش را نشان داده است و میدهد. حالا دیگر وظیفه ما است که کاستی های موجود در زمین را ناشی از عملکرد خویش بدانیم. بیشتر مردم از آنچه که خدا برای آنها نازل میکند، بیشتر مصرف میکنند و بیشتر بر میدارند و به این طریق مردم با حفر چاههای مفرط، کمبود آب بوجود می آورند و باعث زحمت سایر مردم میشوند. وقتی چیزی که حق ما نیست را برداریم؛ به نوعی دزدی کرده ایم. دزدی در حالت کلی به این معناست. برداشتن آنچیزی که حق ما نیست.

در فیلم مرد میخواهد با مسئولین محیط قرنطینه صحبت کند ولی آنها جواب او را نمیدهند و اساسا ارتباط با مسئولین محیط قرنطینه قطع است. در حالی که ما توی این دنیا، میتوانیم با خدا حرف بزنیم و با او درد دل کنیم و خدا هم واقعا جواب ما را میدهد. خدا میفرماید که ادعونی استجب لکم. یعنی مرا بخوانید تا جوابتان را گویم. خدا از رگ گردن به ما نزدیکتر است و حتی از خود ما به ما نزدیکتر است.

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ ﴿١٦﴾

و ما انسان را آفریده ایم و می دانیم که نفس او چه وسوسه ای به او می کند و ما از شاهرگ [او] به او نزدیکتریم (۱۶)

اگر تقوی داشته باشیم، جوابهای خدا را درک خواهیم کرد. خدا خودش را به ما نشان نمیدهد زیرا ما اصلا توانایی دیدن او را نداریم. اما توانایی داریم که آیات و نشانه های او را در طبیعت و کیهان و زندگی خویش ببینیم.

یک شیر تنها چیزی که میخورد گوشت حیوانات دیگر است و با همین یک نوع غذا تمام ویتامینهای بدنش تامین میشود. اما انسان اینطوری نیست و بعد از مصرف یک ماده خوراکی تکراری بطور مداوم دچار کمبودهای ویتامین خواهد شد. حیوانات و جانداران دیگر در یک چرخه طبیعی هرکدام کامل کننده یکدیگرند . گوشتی که از شکار یک شیر باقی می ماند، خوراک کفتارها میشود و مقداری که فاسد میشود، توسط ویروسها تجزیه میشود و دوباره به چرخه طبیعت بر میگردد. اما انسانها کامل کننده

یکدیگر نیستند. انسانها در محیط قرنطینه فیلم کامل کننده همدیگر نیستند و هر کسی به فکر خودش است. در این محیط، تعاون و همکاری و احسان و نیکوکاری و ایثار بی معنی است. به همین خاطر خدا می فرماید:

فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ ﴿۳۶﴾

پس شیطان هر دو را از آن بلغزانید و از آنچه در آن بودند ایشان را به درآورد و فرمودیم فرود آیید شما دشمن همدیگرید و برای شما در زمین قرارگاه و تا چندی برخورداری خواهد بود (۳۶)

درندگی، خوی حیوانی و شیطانی و غرایز حیوانی و زنده ماندن به هر قیمتی و خوشگذارنی به هر قیمتی جزو اعمال و کارهای ساکنین این محیط قرنطینه است. بعضی افراد داخل قرنطینه حتی از حیوانات هم گمراهترند. پیرمرد بد طینت بعد از صرف غذا با ولع فراوان و دست اندازی به تمام غذاها، در نهایت آب دهانش را به روی غذاها می اندازد و وقتی از او پرسیده میشود که چرا اینکار را کردی؟ او در جواب می گوید که طبقه بالایی ها هم همین کار را کرده اند برای ما. در سیستمهای شیطانی، همه چیز براساس رقابتهای ناصحیح، چشم و هم چشمی و کینه و حسد و انتقام می چرخد.

فداکاری و ایثار و از خود گذشتگی برای افراد دیده نمیشود. ما در این جهان نمی توانیم بدون ایثار و فداکاری، طی طریق کنیم و اصلا فداکاری و ایثار و از خود گذشتگی یک نوع راه نجات است. ما اگر احسان و فداکاری کنیم، در مرحله اول خودمان را نجات داده ایم.

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿۹۲﴾

هرگز به نیکوکاری نخواهید رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید و از هر چه انفاق کنید قطعا خدا بدان داناست (۹۲)

شیطان چیزی برای از دست دادن ندارد؛ بنابراین از چهار جهت به بنی آدم حمله میکند و تنها قصدش این است که بنی آدم را از بین ببرد و یا او را به یک شیطان تبدیل کند. برای شیطان حالت سومی وجود ندارد. وقتی چنین دشمن سرسختی وجود دارد، بی معنی است که وقت خویش را تلف کنیم.

طبق فرموده قرآن، ابلیس، الله را به عنوان خالق قبول دارد. شیطان علیه یکی از صفات خدا با نام الرحمن عصیان کرده است و تمام فریبهای او بخاطر زیر سوال بردن رحمانیت خداست.

يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَٰنِ عَصِيًّا ﴿۴۴﴾

پدر جان شیطان را مپرست که شیطان [خدای] رحمان را عصیانگر است (۴۴)

يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَٰنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا ﴿۴۵﴾
پدر جان من می ترسم از جانب [خدای] رحمان عذابی به تو رسد و تو یار شیطان باشی (۴۵)

شیطان علیه صفت رحمانیت خدا شورش کرده است و میخواهد به همه بقبولاند که طبق سیستم رحمانی زندگی نکنند. زیرا شیطان میداند که تنها راه زندگی موفق در زمین، زندگی کردن طبق سیستم رحمانی است.

الرَّحْمَٰنُ ﴿۱﴾
[خدای] رحمان (۱)

عَلَّمَ الْقُرْآنَ ﴿۲﴾
قرآن را یاد داد (۲)

خَلَقَ الْإِنْسَانَ ﴿۳﴾
انسان را آفرید (۳)

عَلَّمَهُ الْبَيَانَ ﴿۴﴾
به او بیان آموخت (۴)

خدای رحمان قرآن را به مردم یاد داد و انسان را آفرید و به انسان بیان آموخت. اما شیطان میخواهد دقیقا این سه را نقض کند. شیطان میخواهد کسی قرآن و یا کتابهای

آسمانی نخواند و یا طوری بخوانند که چیزی متوجه نشوند و فقط صوت و قرائت قرآن را گوش کنند و فقط از نظر صوتی لذت ببرند. شیطان با الهام شعر و توهمات میخواهد مردم از قدرت بیان خویش استفاده نکنند و بیانی که خدا به آنان آموخته است را منحرف کنند و همچنین تمام تلاش او این است که انسان و توانایی های او را منحرف کند و وقت او را به چیزهای دیگری تلف کند. مثلا شیطان ، انسان را به مهملاتی همچون :

- **ای انسان تو خدای خودت هستی!**
- **ای انسان تو بدون خدا هم میتوانی راه راست را پیدا کنید.**
- **ای انسان تو کامل هستی.**
- **ای انسان تو برای لذت بردن به زمین آمده اید.**
- **ای انسان ، دین برای تو لازم نیست، چون خدا به تو عقل داده است!**
- **ای انسان تو میتوانی به مرحله خدایی برسی!**

و ...

مشغول میکند و با این ایدئولوژی های پوچ و نادرست، توانایی های واقعی انسان را منحرف میکند. کسی که خلبان نیست ولی به او بگویید که تو خلبانی و او باور کند؛ قطعا این باور نادرست (توهم) روزی کار دستش خواهد داد.

بشر تبعیدی آنچنان در تهیه غذای خویش در زمین سر در گم است که هر قومیت و ملیتی ، غذاهای مختلفی برای خود اختراع کرده است. میلیونها سال است که حیوانات بومی زمین غذاهای یکسانی دارند و غذایشان در زمین آماده ست، ولی انسان بسته

به اقوام مختلف، انواع ترشیجات، شوریجات، سوشیجات، ماکارونی ،پنیر ، ماست و ... را اختراع کرده است. گاها بچه های نسل جدید غذاهای نسل قدیم را اصلا نمیتوانند بخورند و تمایلی به آن هم ندارند. غذاهای هندی کاملا با غذاهای ایرانی متفاوت است و انگار از دو کره مختلف آمده اند. در بین بعضی اقوام، مردان چیز زیادی از آشپزی نمی دانند و بدون زنان مجبورند روال متفاوت و جدیدی از تغذیه را ادامه دهند. این همه تنوع و اختلاف نشان از غیر بومی بودن انسان در زمین دارد. اما در بهشت هر آنچه که بخواهی ، آماده ست. برخلاف جهنم، که هر آنچه که بخواهی، نیست.

وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُرِيبٍ ﴿۵۴﴾
و میان آنان و میان آنچه [به آرزو] می خواستند حایلی قرار می گیرد همان گونه که از دیرباز با امثال ایشان چنین رفت زیرا آنها [نیز] در دودلی سختی بودند (۵۴)

ثروتمندان غذاهای خاصی برای خود تهیه می کنند و غیر از آن را نمی خورند و تمایلی نسبت به آن ندارند. فقرا غذاهای ارزانتری می خورند و بسیاری از مردم نسبت به این نوع غذاهای ساده که فقرا استفاده میکنند، تمایلی ندارند.

وَلَا يَحُضُّ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ ﴿۳۴﴾و به غذای مسکین تمایل نشان نمیدهد (۳۴)

بشر به هم نوع خویش رحم نمیکند. در تغذیه بسیار اسراف میکند ؛ این نوع رفتار نشان از آن دارد که بشر همچنان میخواهد به تکبر خود ادامه دهد. ما به خاطر همین

تکبر از بهشت اخراج شدیم؛ آدمی شایسته است که از تغذیه خویش کم کند و اسراف نکند و به همان مقدار ، مساکین را اطعام کند. واقعا حیف است که بخاطر شکم ، خودمان را برای همیشه به جهنم بیندازیم.

از آنجا که ما قبلا شیطان را انتخاب کردیم و علیه خدا شورش کردیم، خدا اینبار از ما میخواهد در کره زمین علیه شیطان شورش کنیم. به همین خاطر است که خدا میفرماید که دشمنی با شیطان باید دو طرفه باشد.

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴿۶﴾
در حقیقت شیطان دشمن شماست، شما هم او را دشمن گیرید او فقط دار و دسته خود را می خواند تا آنها از یاران آتش باشند (۶)

مادام که ما شیطان را دشمن خود فرض نکنیم، نمی توانیم به سوی خدا برگردیم. وقتی شما شیطان را دشمن خود میدانید، به این معناست باید روشهای فریب او را بشناسید و از دستورات و وسوسه های او دوری کنید.

پیش بینی زلزله توسط حیوانات یک امر طبیعی است و بخاطر اخت بودن آنها با زمین است. اما بشر تبعید شده، در این مورد کاملا گیج است. مشاهدات زیادی مبنی بر ترک لانه قبل از وقوع زلزله از سوی مارها، راسوها و موش ها گزارش شده است؛ این حیوانات برای فرار از خطرات زلزله، چند روز پیش از وقوع آن، محل را ترک میکنند. حتی بعضی مارها یک ماه قبل از زلزله ، محل را ترک میکنند! حیوانات قبل از زلزله انواع مختلفی از بی قراری ها تا ترک لانه و فرار را بروز می دهند. آزمایشات

نشان داده است که مورچه ها قبل از زلزله، بسته به شدت زلزله ، نظم و آرامش خود را از دست می دهند. این موارد نشان میدهد که حیوانات و موجودات دیگر تنها در صورت وقوع یک خطر واقعی دچار استرس و ترس و اضطراب میشوند. اما بیشتر استرسها و ترسها و ناراحتی هایی که انسان بر خود تحمیل میکند، غیر واقعی است و بیشتر الکی است و فقط احساسات و توهمات است. همین مورد دلیل تبعید انسان به کره زمین را مشخص میکند. تا وقتی که انسان این خصوصیات بیخود را از خود دور نکند، نمی تواند به موطن اصلی خویش بهشت برگردد. واکنش در مقابل یک خطر غیرواقعی و کاذب! استرس بخاطر هیچ! ترس از هیچ!

هیچ حیوانی از تاریکی نمیترسد بجز انسان! هیچ حیوانی برای خود توهم نمیسازد تا بعد از توهم خودساخته بترسد. البته دلیل این رفتار انسان برمیگردد به قرین و همزاد او که همان شیطان است. شیطان متاسفانه با القاء ترس به قربانیان خود، آنان را کنترل میکند.

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٦٨﴾

شیطان شما را از تهیدستی بیم می دهد و شما را به زشتی وامی دارد؛ و(لی) خداوند از جانب خود به شما وعده آمرزش و بخشش می دهد، و خداوند گشایشگر داناست. (٢٦٨)

در این فیلم، اگر افراد به ایثار و جهاد در راه خدا ایمان داشتند، غذا به همه میرسید و محیطی وحشی فراهم نمیشد و افراد همدیگر را از بین نمی بردند. بشر برای زندگی روی کره زمین، بیش از هرچیزی به محیطی آکنده از دوستی و فداکاری و ایثار نیازمند است. فداکاری و ایثار و جهاد در راه خدا از راه علم و امکانات و منطق بدست نمی آید. بلکه تنها راه دین است ، دینی خالص مبتنی بر کتاب آسمانی.

در آخر فیلم؛ فکر کنم افراد به نیستی میرسند و این یک اشتباه فاحش است. زیرا انسان هیچوقت از بین نمی رود. ماندگاری انسان حتی در جهنم ابدی است. بعضی ها میگویند که جهنم وجود ندارد و جهنم و بهشت همینجاست! مهمترین دلیل بر وجود جهنم، این است که ما همانطور که در بهشت بخاطر ارتکاب گناه به اینجا زمین تبعید شدیم. کسانی هم که در اینجا گناه مرتکب شوند، به جایگاه بسیار بدتری به اسم جهنم تبعید میشوند. قطعا مرگ و عدم بهتر از جهنم است و طبق فرموده قرآن این آرزوی جهنمیان است که برآورده نمیشود. جهنمیان روزی هزار بار آرزوی عدم و مرگ میکنند ولی امکان پذیر نیست. کسی که میگوید که جهنم وجود ندارد و بعد از مرگ همه چیز تمام میشود؛ در جواب باید به او گفت ای کاش اینطوری بود که شما می گویید. عدم بسیار بهتر از جهنم است. ولی قطعا اینطوری نیست و وجود جهنم حتمی است. این فیلم نکات مثبتی داشت و نکات منفی هم داشت. در هر فیلمی که نگاه میکنیم، نباید تمام مطالب آن را دربست پذیرفت؛ خدا عقل و فهم به ما داده

است و باید در این نوع فیلمها، دقت کرد و تحت تاثیر ایدءولوژیهای غلط قرار نگرفت.